

عنوان مقاله:

نقد موضوع فلسفه از دیدگاه ابن سینا و اندیشه ویتگنشتاین متقدم و متاخر

محل انتشار:

دوفصلنامه فلسفه و کلام، دوره 51، شماره 2 (سال: 1398)

تعداد صفحات اصل مقاله: 20

نویسندگان:

محمد کاظم علمی سولا - دانشگاه فردوسی مشهد

فاطمه بی غم - دانشگاه فردوسی مشهد

خلاصه مقاله:

موضوع فلسفه از دیدگاه هر فیلسوف، محور فعالیت فلسفی اوست. در طول تاریخ اندیشه، موضوعات مختلفی مورد پرداخت فیلسوفان قرار گرفته است. مشهور است که لودویگ ویتگنشتاین فلسفه را دچار نوعی چرخش موضوعی کرده و علیه فلسفه سنتی ماقبل خودش شوریده است. همچنین در اندیشه متاخر او، یک گزاره نمی تواند معنای کلی و ذاتی داشته باشد. در این تحقیق سعی گردیده است این تفاوت دیدگاه در حیطه تقریر موضوع فلسفه در بررسی نمونه ای با اندیشه شیخ الرئیس ابن سینا، به عنوان یکی از بزرگترین فلاسفه سنتی-اسلامی، بررسی گردد. به نظر می رسد «وجود بماهو وجود» به عنوان موضوع فلسفه، با تکیه بر فرض های معرفتی چارچوب فکری ابن سینا، در مواجهه با دیدگاه های فلسفی هم دوره متقدم و هم متاخر ویتگنشتاین دچار چالش هایی می گردد و نیاز است فلسفه اسلامی خود را بیش از پیش در معرض پرسش های فلسفه معاصر قرار دهد.

کلمات کلیدی:

موضوع فلسفه، گزاره، وجود بما هو وجود، چرخش موضوعی فلسفه

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1354728>

